

شناسنامه	
هفته‌نامه‌ی فرهنگی، ورزشی، اجتماعی، هنری با روش خبری-تحلیلی صاحب امتیاز: سودابه آزادگان مدیر مسئول و سردبیر: کیانوش رستمی شانی: خرم آباد، خیابان علوی، مجتمع هفت آسمان، طبقه‌ی سوم، واحد ۳۰۵ تلفن: ۰۶۶۳۳۴۰۷۰۰۶۶۳۳۴۰۲۴۶۱ دورتکار: ۰۶۶۳۳۴۰۲۴۶۱ پایام‌تکا: www.seymare83@yahoo.com تارنما: www.seymare.com تکگرام:@seymareweekly لیتوگرافی و چاپ: پیام‌سانه همدان، تلفن: ۰۸۱۳۴۵۸۶۳۳۱ توجه: مقالات و یادداشت‌های چاپ شده الزاماً دیدگاه سیمره نیست.	

۴

فرهنگ مردم

گنجینه‌ای از تک‌بیت‌ها در زبان لکی وجود دارد که بدون اغراق و تعصب، از زیباترین سروده‌های بشری هستند. این تک‌بیت‌ها شاعر مشخصی ندارند و در گذر اعصار سینه به سینه منتقل شده و در حین انتقال پیراسته شده و مانند درهای ناب سفته شده‌اند. این تک‌بیت‌ها بخشی از ناخودآگاه جمعی لکزبانان محسوب می‌شوند که حاوی تصاویر و ایماهای برساننده‌ی بیم‌ها و امیدها، ناکامی‌ها، شکست‌ها، حماسه‌ها، شور، هیجان، اشتیاق یا اندوه و آه این مردمان سرسخت و سازنده است که در رنج هزاره‌ها زیسته و دوام آورده‌اند و روایت زندگی خود به شکلی شجاعانه ساخته و به آیندگان رسانده‌اند. تک بیت زیر، مروریدی از این دریای بی کران است:

هناسه‌ی سردم یشق بی وه کووان
علف سوز نکرد بی بسه زووان
henāse sardem pašq bi va kōwān
alaf sōws nakerd py basazuwān

وصف یک صحنه‌ی آخرالزمانی؛ توصیف فضای سرد، خشک و بی‌روح کوهستانی برهوت که گیاهی در آن برای خوراک حیوانات زبان بسته نمی‌رود!

این مرگ سراسر که سطح جهان را بسان پرده‌ای ضخیم و خفقان‌آور فروپوشیده است، حاصل یک آه است!

آهی که از سینه‌ی یک شخص (خود شاعر) برمی‌خیزد!

«هناسه» در زبان لکی به معنای نفس است؛ نفس سردی که سرمای سوزانده‌ی آن چنان آتشی به پا کرده است که کوه و دشت را

یادداشت

ممکن است گفته شود که برخی داستان‌های شاهنامه پُر دامنه و ملال‌آور است؛ دلیل اصلی این واقعیت چیزی است که خود فردوسی هم به آن واقف است. او آفریننده‌ی داستان‌های شاهنامه نیست بلکه او داستان‌های کهن را از روی منبعی مکتوب و منشور به نظم درآورده است.

فردوسی در کار خود امانت‌دار و پایبند به منبع اصلی بوده و آن‌چه را به او رسیده، بی‌کم و کاست منتقل کرده است.

تغیر مهم فردوسی در متن اصلی شاهنامه به نظم درآوردن با زبان حماسه است. او در این کار هنرمندی خود را نشان داده است؛ ویژگی دیگر شاهنامه حکمت‌ها و پندها و اندرزهایی است که فردوسی به فراخور در جای‌جای شاهنامه با ایجاز و اختصار بیان کرده است.

باید بپذیریم که در شاهنامه خطاها و اشتباهای تاریخی هم وجود دارد این‌گونه خطاها دو دسته‌اند: دسته نخست همان است که از منبع اصلی به او رسیده مانند مسیحی دانستن اسکندر در حالی که حمله اسکندر به ایران پیش از میلاد مسیح بوده است برخی دیگر داستان‌هایی است که باورپذیری آن‌ها دشوار است مانند ماجرای

آگهی

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی شهرستان الیگودرز-سری (۲۱۷) جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مستقر در واحد ثبتی الیگودرز مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بالامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد.

در صورتی که هر کس نسبت به صدور سند مالکیت به‌نام متقاضیان اعتراض داشته باشد می‌تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع محترم قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی مصل تا مهلت گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند، اداری ثبت مبادرت به

شماره

هفته‌نامه‌ی فرهنگی، ورزشی، اجتماعی، هنری با روش خبری-تحلیلی صاحب امتیاز: سودابه آزادگان مدیر مسئول و سردبیر: کیانوش رستمی شانی: خرم آباد، خیابان علوی، مجتمع هفت آسمان، طبقه‌ی سوم، واحد ۳۰۵ تلفن: ۰۶۶۳۳۴۰۷۰۰۶۶۳۳۴۰۲۴۶۱ دورتکار: ۰۶۶۳۳۴۰۲۴۶۱

پایام‌تکا: www.seymare83@yahoo.com
تارنما: www.seymare.com
تکگرام:@seymareweekly
لیتوگرافی و چاپ: پیام‌سانه همدان، تلفن: ۰۸۱۳۴۵۸۶۳۳۱
توجه: مقالات و یادداشت‌های چاپ شده الزاماً دیدگاه سیمره نیست.

رازهای سرزمین مادری (ادامه‌ی خوانش تک بیت‌های لکی / بخش هفدهم)

دکتر حسین اکبری‌نسب



یک‌سر به خاک سیاه مبدل ساخته است!

در درون این شخص چه می‌گذرد؟ چه کوره سوزانی در سینه‌اش برپاست که هوای بیرون چهیده از آن سراسر لهیب است و همه چیز از جمله علف کوهستان را می‌سوزاند!

چه بر او گذشته است؟ این‌ تالم روحی کشنده، حاصل غم فراق یار است یا از ظلمی ست که بر او رفته است؟

مطابق منطق روایی ناب این تک بیت ها، پاسخی در کار نخواهد بود. شاعر فقط اشارتی به وضع درونی خود داشته و حال ناخوش بیرون و وضعیت سوخته و مرگبار آن را به وضع درون نسبت داده است.

نوعی درآمیختن بیرون و درون، حاصل از یک وضعیت دلهره آور و اندوه بار که بیرون را آیینیه تمام‌نمای وحشت درون و درون را بازتاب ویرانی مرگ‌بار بیرون نموده‌است.

این درآمیختگی شاعرانه روایتی ناب از اندوه عظیم یک انسان است که در قالب عنصر ایجاز به بهترین شکل ممکن زبان را فشرده است و ادبیت آن را ممکن کرده است؛ این شعر به

مدیرکل آموزش و پرورش لرستان گفت: «نخستین مدرسه اینترنتی به‌منظور توسعه‌ی عدالت آموزشی در این استان راه‌اندازی می‌شود.»

سید عیسی سهرابی روز دوشنبه(ششم بهمن) در نشست شورای آموزش و پرورش بیان کرد: «با توجه به تأکید بر ایجاد ایجاد عدالت آموزشی، دسترسی به تمام فرصت های آموزشی برای دانش آموزان، کیفیت بخشی به فعالیت های یاددهی و یادگیری و تقویت نقش و جایگاه مدرسه، تأمین و تجهیز فضاهای آموزشی، تنوع بخشی

مقدمات راه‌اندازی نخستین مدرسه اینترنتی در لرستان فراهم شد

به محیط های یادگیری، استقرار مدرسه در حد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و اجرای احکام برنامه هفتم پیشرفت کشور، عمده برنامه های آموزش و پرورش برای محورها قرار گرفته است.»

وی با اشاره به ایجاد نخستین سامانه مدرسه اینترنتی در آموزش و پرورش لرستان، اظهار داشت: «توسعه عدالت



یاسر دلفان

کارتون سیمره



نقد و نگاه

نقد و نقادی؛ کنشی در جهت احیا

نگرشی دیگر

*بر اخاص شیرواند

با این اوصاف، می‌توان در تحلیل هر مقوله‌ی نقدشده چنین دیدگاهی را صورت‌بندی کرد: حاصل کمیت‌های نقدشده‌ی فساد + حاصل کمیت‌های نقدشده‌ی گذار +استنتاج و استنباط‌نویافته‌ها =ارتقا و تکامل مقوله‌ی خاص و نقدشده هرچند بکوشیم پدیده‌ای را – چه از منظر کمی و کیفی – به‌طور کامل در نقد بر فساد من‌المجموع قرار دهیم، نمی‌توان آن پدیده یا مقوله را محو و معدوم ساخت. برآیند نمونه‌های نقد چنین امری را نمی‌پذیرد؛ خواه نقد از سنخ فساد باشد یا از سنخ گذار. دلیل این امر آن است که پایه و اساس هر مقوله در نقد علمی – دیالکتیکی، متصل است نه منفصل؛ همان‌گونه که اصول اعداد ریاضی، از صفر تا بی‌نهایت و در جهت گوناگون، پیوسته و ناپسسته‌اند.

زمانی که از منطق دیالکتیک علمی – تاریخی در باب یک کمیت علمی (ریاضی، تاریخ، متون و دیگر علوم هستی‌شناختی) سخن می‌گوییم، آن منطق کلیت هستی‌شناسی قابل استنباط و دربرگیرنده‌ی کلیت هستی‌شناسی و وجودشناسی باشد. در غیر این صورت، معرفتی که عرضه می‌شود، در تبیین و تفسیر پدیده‌ها، در دیالوگ علمی و در استلال برهانی مقولات – چه مابعدالطبیعی و چه مابعدالطبیعی – اعتبار علمی ندارد و توان تولید معرفت قابل اتکا را نخواهد داشت.

ازاین‌رو می‌توان گفت: دانش نقد، آغازگاه نوشتن است؛ یا به بیانی دیگر، حلول مقوله‌ی ماقبل (کمیت) نقدشده‌ی (گذر) در مقوله‌ی نویافته و شکوفاشده است، که عنصر اصلی آن همواره بر پایه‌ی بنیاد بلخی، رودکی و سپس فردوسی در جهان به‌راه افتاد و هنوز هم با سرفرازی پیش می‌رود؛ بر امروزیان است تا نگذارند این حرکت غرورآفرین و زندگی‌بخش از حرکت بایستد و از نفس بیفتد. گرچه پیدا شدن شاعرانی چون فردوسی، مولوی، سعدی و حافظ و… سخت است اما حفظ جریان شعر و ادب فارسی برای رویش‌های تازه می‌تواند فرهنگ و ادب ایران را به نسل‌های بعدی منتقل کند.

	
---------------------------------------	---------------------------------------

به «شش‌دانگ زمین مزروعی دیمزار» به‌مساحت «۲۵۹۴۰۴۸ متر مربع مجزی شده از پلاک شماره»۱۱۳۶۱» فرعی از:«۷۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ذبیح اله توکلی» ۵- تقاضای «اسماعیل توکلی» فرزند «ذبیح اله» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی دیمزار» به‌مساحت «۲۵۲۳۳۰۶۹ متر مربع مجزی شده از پلاک شماره»۱۱۳۶۱» فرعی از:«۷۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه» ۶- تقاضای «اسماعیل توکلی» فرزند «ذبیح اله» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی دیمزار» به‌مساحت «۲۳۲۸۰۰ متر مربع مجزی شده از پلاک شماره»۱۱۳۶۱» فرعی از:«۷۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ذبیح اله» ۷- تقاضای «اسماعیل توکلی» فرزند «ذبیح اله» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی دیمزار» به‌مساحت «۲۳۲۴۰۰ متر مربع مجزی شده از پلاک شماره»۱۱۳۶۱» فرعی از: «۷۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ذبیح اله» ۸- تقاضای «اسماعیل توکلی» فرزند «ذبیح «اله» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی دیمزار» به‌مساحت «۲۳۲۴۰۰ متر مربع مجزی شده از پلاک شماره»۱۱۳۶۱» فرعی از: «۷۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ذبیح اله» ۹- تقاضای «اسماعیل توکلی» فرزند «ذبیح اله» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی دیمزار» به‌مساحت «۲۳۲۴۰۰ متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۱۳۶۱» فرعی از: «۷۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ذبیح اله» ۱۰- تقاضای «اسماعیل توکلی» فرزند «ذبیح اله» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی دیمزار» به‌مساحت «۱۶۲۴۰۰ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۱۳۶۱» فرعی از: «۷۶» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ذبیح اله» شناسه‌ی آگهی: تاریخ انتشار نوبت اول: (۱۴۰۴/۱۱/۱۱) نوبت دوم (۱۴۰۴/۱۱/۲۶) سید احمد رحیمی رییس اداری ثبت اسناد و املاک الیگودرز	
---	--

آسیب شناسی شده به شکل مکمل و جبرانی در کنار آموزش حضوری از ظرفیت این افراد در مدرسه اینترنتی استفاده کرد.»

سهرابی ادامه داد: «برای راه اندازی این مدرسه محتواهای آموزشی با کیفیت بالا و منطبق بر ذائقه دانش آموزان در کنار سکوی خلاقیت ارائه می‌شود که دانش آموزان موفق در تمام زمینه ها معرفی و از حضور مشاوران و برنامه های سرگرمی در این وب سایت استفاده خواهد شد.»
 متن کامل در https://avayeseymare.ir/

شنبه ۱۱ بهمن‌ماه ۱۴۰۴

پیش‌خوان سیمره



پژوهش و نگارش: علیمردان عسکری‌عالم
ناشر: انتشارات هابور/ نوبت چاپ: اول ۱۴۰۴

ویراستار: لیلا عسکری‌عالم /شمارگان: ۵۰۰ نسخه

بها: ۴۰۰ هزار تومان

این کتاب، جدیدترین اثر استاد علیمردان عسکری‌عالم است که با یک پیش‌گفتار آغاز می‌شود.

در بخشی از پیش‌گفتار، آمده‌است: «این کتاب ... تلاشی است برای گردآوری، مستندسازی و بازآفرینی میراثی که در گذر زمان در معرض فراموشی قرار گرفته است. در این مجموعه، بازی‌ها نه تنها به عنوان سرگرمی‌های کودکانه یا آیین‌های محلی معرفی می‌شوند بلکه به مثابه متون فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ متونی که در آن‌ها می‌توان رد پای هم‌ستگی اجتماعی، آموزش غیر رسمی، تقویت جسم و ذهن و حتا بازتابی از باورهای اسطوره‌ای و آیینی را مشاهده کرد...»

نادر آزادبخت، نویسنده و پژوهشگر، مقدمه‌ای بر این کتاب نگاشته است.

آزادبخت، پرداختن به بازی‌ها و کارکردهای آن در زاگرس میانی و مستندسازی آن‌ها را در عصر جهانی شدن و هوش مصنوعی کاری پسندید می‌داند.

وی این‌ کار عسکری‌عالم را «کارستانی» ماندنی، خواندنی، پرمایه و ارزنده می‌داند.

این اثر سه بخش دارد. در بخش نخست بیش از صد بازی بومی مردم لرستان براساس الفبای فارسی تنظیم شده‌است.

نویسنده در این بخش، که حجم عمده‌ی کتاب به آن اختصاص یافته است، هر بازی را بر اساس مولفه‌هایی از جمله: منطقه‌ی بازی، مفهوم واژه، مناسبت احراء مکان اجرا، مفاهیم و جنبه‌ها، حرفه‌ای یا غیر حرفه‌ای، حداقل نفرات مجری، رده سنی، جنسیت مجریان، امکانات مورد نیاز، وضعیت کنونی معرفی می‌کند و سرانجام به شرح موضوع بازی مفصلا می‌پردازد.

در بخش دوم، بازی‌های خلاصه، لغات اصیل آمده است. در این بخش نیز یک‌صد و شش عنوان بازی به ترتیب حروف الفبا به صورت چکیده آمده است. بازی‌ها در حد یک جمله یا نهایتا یک یا دو پاراگراف معرفی شده‌اند، اول قاره، بشکن، بولاس، پاچقل و... نمونه‌هایی از بخش هستند

بخش سوم به چینه چینه (چیستان) اختصاص دارد.

در این بخش هم، ۱۴ چینه‌چینه(چیستان) لکی و لری با آوانوشت مطرح شده و در پایان پاسخ چیستان‌ها هم آمده است.

استاد عسکری‌عالم را باید به شایستگی پدر فرهنگ بومی لرستان دانست. او تا کنون بیش از ۴۰ کتاب در این زمینه، نوشته است و کارنامه‌ی پر بار برگی دارد.

شعر

-----***دکتر محمدرضا روزبه**

غم‌نامه

هر تکه از دلم به دیاری...

من بر کدام کشته‌ی خود گریه سر دهم؟

بی‌خشم، بی‌خروش

عمری گذشت و می‌برم انگار

تابوتِ زنده‌مانی خود را به روی دوش!

-----*میلاد شهبازی

هبوط

مانند قبیلت نیستی؛ از خویش، زیباتر شدی

دریاب من بودی ولی، چندی‌ست دریاتر شدی

فرهاد می‌داند که من، مجنون‌تر از مجنون شدم

شیرین نمی‌داند که تو، با ناز، لیلا‌تر شدی

حال خوشم را با غزل، از چشم تو سر می‌کشم
آه ای شرابِ مست‌کش، برخیز! گیرا تر شدی
ناقوسِ نازت زنگ زد، با نام من، آهنگ زد

از هر کلیسا پیکری، امشب کلیساتر شدی

با یک تماشای اصیل و چشم‌های بی‌بدیل

از بس تفاوت داشتی، در جمع، تنهاتر شدی

خواب هیوطم را ببین، سببی به دست من بچین

آدم‌تر از آدم منم حالا که خواتر شدی

یادداشت

سلب ری سیاه



سلمان احمدوند

بهتوش طباطبایی برای جشن فارغ‌التحصیلی‌اش با بادبگارد به دانشگاه می‌رود.

کامران تفتنی در آیین رونمایی از مدل جدید سواری مزدا ی چندده میلیاردی، یک دستگاه از آن را به همسرش هدیه می‌دهد تا او را سورپرایز کند.

متین ستوده در یک مراسم عروسی با چندین بادبگارد در بین مردم ظاهر می‌شود و بر زخم بی‌نوایی میلیون‌ها هم‌وطن در یکی از تاریک‌ترین ادوار اقتصاد ایران معاصر نمک تفاخر می‌پاشد. آن سو ترک پهلوان رسول خادم در شرقی‌ترین مرزهای جغرافیای فقر بین کودکان بی‌شناسنامه‌ی بلوچ و دانش‌آموز دختر نجیب در مدرسه‌های بی‌سقف نان و لبخند تقسیم می‌کند.

محسن چاووشی سرقلعه‌ی جوان‌مردانی است که دست‌بند و زنجیر از دست و پای زندانیان باز می‌کنند و امید به زندگی را به خانواده‌هایشان بازمی‌گردانند. فراخوان‌های گلریزان او نماد هنر متعهد است که با زور و تزویر بیگانه است و زُر را برای کاهش درد و رنج هم‌نوعان می‌خواهد.
آلبوم افتخارات علی دایی، شهریار پرغور فوتبال، هم از بابت کنش‌های نوع‌دوستانه و عشق‌ورزی به مهین سرشار است و نیز زنان هنرمند آزاده‌ی که ... اخلاق حرفه‌ای را معنا کردند و به سلب‌ریتی اعتبار بخشیدند. هدیه تهرانی – که از نگاه من سرآمد بازیگران زن سینمای ایران است– فعال فرهیخته‌ی محیط‌زیست است.

سلب‌ریتی‌های سبز در سرزمین سیم‌کارت‌های سفید و سلب‌ریتی‌های سیاه، روزنه‌های نور در خانه‌ی ظلمت‌پوش؛ جان‌های بی‌عقده؛ انسان‌های شریف و هنرمندان ملی که با دل خوین لب خندان می‌آورند.
بر خاکستر اقتصاد فروپاشیده در جامعه‌ای که جان دادن خویش را به تماشا نشسته است، طبقه‌ی متوسطی که زیر آوار تورم دفن شده و جز شبحی از آن بر جای نمانده و فقر استخوان‌سوز دامن‌گستر که پوچ‌گرایی (نیپیلیسم) و زیست غریزی (تنازع برای بقا) را به سوت‌دادن بی‌ایق تحمیل می‌کند؛ تراژدی بازگشت به «وضع طبیعی» در بیان توماس هابز. هویت سلب‌ریتی در خاستگاه خود، یعنی مغرب زمین، هرگز از «مسئولیت اجتماعی» جدا نبوده است، چندان که با این ویژگی شناخته می‌شود و در این گوشه‌ی جداافتاده از جهان، با بادبگارد‌های عبوس و زرق‌وبرق‌های خیره‌کننده... پیش چشم مردمی که نفس‌هایشان آشکارا به شماره افتاده است.

راست این است که همه‌چیزمان به همه‌چیزمان می‌آید، ما حتا مقلدان خوبی هم نیستیم، نه مثل چین در مسیر توسعه کام گذاشتیم و نه مثل روسیه دغدغه‌ی منافع ملی را داشتیم.



این سرزمین میراث است؛ میراثی که به تسلسل از آبا و اجداد به ما رسیده، قابل بخش و بخشش نیست.

در گستره‌ی هزاران سالال ایران زیست داشته، می‌ماند و باید... سستون و اسکلت این کشور زایشی است؛ یعنی همیشه در حال آفریدن است. زایش‌های نیک داشته و دارد. این هیئت ایران نام، در عمر خود هم زخم‌هایی بر داشته اما باز سلول‌های مجروحش دوباره سیم‌رغوار ترمیم یافته‌اند. ما ایران را می‌خواهیم خود ایران- ایران خالص و بی‌کم و کاست. بلی همین جغرافیای گربه مانند را.

گاهی نکرده دل در گرو ایسن پهنه‌ی ایران نام داریم. تاریخ آن پر از فراز و نشیب و جهات اربعه‌ی آن دیدنی با جایگاهی تحسین برانگیز.

از شمال غربی تا جنوب شرقی به زاگرس پیوندی ناگسنتنتی یافته و البرز کوه مانند گرد‌ن‌بندی زرین بر گردن این کشور هم‌چنان بی‌دشده و درخشان مانده. بزرگ دریاچه‌ی مازندران مرز طبیعی شمالی را مشخص و دریای تلیگون عمان و خلیج همیشه مواج فارس، چه خوب کشور ما را در بغل گرفته‌اند. ایران با همه‌ی اجزایش معنا می‌پذیرد. بیت: «چو عضوی بسدرد آورد روزگار / دیگر عضوها را نماند قرار» مربوط به فرهنگ ایران است، زایشی ایرانی است.

ایران با آب وهوای گرم و سرد و هم معتدلش، با کویر خشک و کوهستان پر بارانش، زبان و لهجه‌های گوناگونش و رسم و رسوم معتدش شناخته می‌شود. هیچ کم و کاستی‌ای نمی‌پذیرد. مردمانش برای حفظ کپان این کشور اتحادی نانوشته دارند. سزاوار نیست ایران دلگیر گردد. دلگیری ایران درست مترادف مرگ همه‌ی ماست.

ایران می‌ماند و باید...

خبر

رییس سازمان جهاد کشاورزی لرستان، تأکید کرد: «ارز ترجیحی حذف نشده؛ بلکه از ابتدای زنجیره به انتهای زنجیره یعنی مصرف‌کننده انتقال یافته است.»

نامدار صیادی در گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه لرستان، اظهار داشت: «ارز ترجیحی حذف نشده؛ بلکه از ابتدای زنجیره به انتهای زنجیره یعنی مصرف‌کننده انتقال یافته و ما در قالب کمیته تضمین امنیت غذایی و حمایت از معیشت مردم پیگیر این موضوع هستیم.»

وی گفت: «ما در کنار بهره‌برداران بخش کشاورزی به‌ویژه تولیدکنندگان زیربخش دام و طیور شرایط سختی را طی کردیم، امید است بتوانیم در آینده این شرایط را هموار کنیم و در کنار این عزیزان یک تولید رقابتی شکل دهیم.»

رییس سازمان جهاد کشاورزی لرستان، افزود: «ما اقدامات خود با سرمشق گرفتن از بیانات رهبر معظم انقلاب، رییس‌جمهور و هدایت‌های مدیرانه وزیر و حمایت‌های استاندارد در راستای قانون تضمین امنیت غذایی و حمایت از معیشت

آگهی

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی شهرستان کوهدشت – سری (۴۰۸)

آراء صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان ها ی فاقد سند رسمی مسقر در واحد ثبتی کوهدشت تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان، لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند، می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.

۱-برابر تقاضای آقای/خانم (پالیزبان محمدیان) فرزند (خان میرزا) نسبت به ۵/۱ دانگ از شش دانگ یک باب/قطعه مزروعی، به مساحت (۶۸۲۳) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (۳۴) اصلی واقع در بخش (هفت) حوزۀ ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت

شهرک صنعتی شماره ۳ خرم آباد در مسیر تکمیل زیرساخت‌هاست

اجرای طرح‌های زیرساختی با اعتباری بیش از ۱۵۰ میلیارد تومان



سال گذشته، پنج پست برق پایدار در شهرک‌ها و نواحی صنعتی استان احداث شده است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها پست برق ۱۵ مگاواتی شهرک صنعتی شماره ۳ خرم‌آباد به شمار می‌رود.»

وی ادامه داد: «با توجه به قراردادهای منعقدشده در حوزه انرژی خورشیدی، برنامه‌ریزی شده است ظرفیت این پست برق به ۳۰ مگاوات ارتقا یابد تا پاسخ‌گوی نیازهای آتی سرمایه‌گذاران و واحدهای تولیدی باشد.»

فرزاد محمدی افزود: «پروژه‌های در حال اجرای این شهرک شامل روسازی و آسفالت معابر، احداث پست برق، اجرای کانال سیرلیر، ساخت واحدهای کارگاهی، احداث سردر ورودی و سایر زیرساخت‌های ضروری است که با جدیت در دستور کار قرار دارد و از پیش‌رفت مناسبی برخوردار است.»

محمدی در ادامه به برنامه‌های توسعه‌ای استان در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر اشاره کرد و گفت: «در راستای سیاست‌های کلان کشور و استان، ۱۵۰ هکتار از اراضی سطح استان که قابلیت واگذاری به صنایع تولیدی نداشته‌اند، به احداث نیروگاه‌های انرژی خورشیدی اختصاص یافته است.»

وی ادامه داد: «ایسن اراضی در قالب ۱۵ قرارداد قطعی و اجارهای به متقاضیان واگذار شده‌اند.»

وی هم‌چنین افزود: «در شهرک صنعتی شماره ۳ خرم‌آباد، با توجه به کاهش اراضی در اختیار شرکت لاستیک‌سازی، ۱۸ هکتار از این اراضی به اجرای طرح‌های انرژی خورشیدی اختصاص داده شده است.»

مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی لرستان با اشاره به اقدامات انجام‌شده در حوزه برق‌رسانی شهرک‌های صنعتی استان تصریح کرد: «طی دو

اخبار

خبر و گزارش

زمستان سرد دلفان و فریاد گرسنگی در سایه‌ی قبض‌های نجومی گاز



***زهر ا نجان‌ی،**

جامعه‌شناسی

در حالی که موج سرمای بی‌رحمانه، دلفان لرستان را درنورده‌یده، مردم این منطقه با معضلی دوگانه دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ سرمایی که استخوان‌ها را می‌فشارد و قبض‌های گازی که کمر اقتصاد خانوارها را خم کرده‌است.

در ارتفاعی که نفس‌ها ابر می‌شود، گرم کردن خانه نه یک انتخاب که یک ضرورت بقاست. اما برای بسیاری از خانواده‌های دلفانی، شمارشگر کنتور گاز این روزها نه با امید که با ترس می‌چرخد. رقم‌هایی که روی قبض‌های آبی نقش می‌بندد، برای بسیاری به‌سادگی پرداخت‌شدنی نیست.

یکی از ساکنان روستای کاکاوند می‌گوید: ماه گذشته قبض گازمان بیش از ۸۰۰ هزار تومان آمد. درآمد من به عنوان کارگر روزمزد، در بهترین حالت ماهی ۴ میلیون تومان است. با این رقم، چگونه هزینه‌ی خوراک، درمان و دیگر مخارج را تأمین کنم؟ مجبوریم فقط شب‌ها کمی بخاری را روشن کنیم و روزها با همان پتو سر کنیم.

این تنها روایت یک خانواده نیست. در محله‌های مختلف شهر نورآباد و روستاهای دلفان، مردم از افزایش چشم‌گیر قبض‌های گاز در ماه‌های اخیر می‌گویند، افزایشی که با درآمد ثابت و تورم فراینده همراه شده و زندگی را به کام بسیاری تلخ کرده است.

یک شهروند نورآبادی با حالی آغشته به ناامیدی بیان می‌کند: دولتی می‌گوید قیمت‌ها اصلاحی است، اما برای ما که حقوق ثابتی نداریم و روزبه‌روز فقیرتر می‌شویم، این اصلاح یعنی محرومیت از کم‌ترین حق خود: گرمای خانه در زمستان.

کارشناسان محلی معتقدند ترکیب چند عامل از جمله سرمای شدید امسال، افزایش مصرف خانوارهای کم‌درآمد به دلیل ماندن بیشتر در خانه ناشی از بی‌کاری یا کاهش مشاغل موقت، و البته تغییرات تعرفه‌ای، این بحران را تشدید و

خطر افتاده و منتقد این تغییر هستند.»
صیادی، ادامه داد: «در اصلاحات جدید دولت ارز ترجیحی یک یارانه پنهان است که به دست مصرف‌کننده می‌رسد و تبدیل این یارانه به حمایت مستقیم و هدفمند باعث می‌شود در بخش کشاورزی شاهد تولید رقابتی باشیم که از مهم‌ترین اهداف این طرح است.»
وی گفت: «هدف اصلی طرح تخصیص منابع به‌مقاصد هر یک یعنی همدی مردم بوده و شاهد اجرای طرحی هستیم باعدالت توزیعی و مبالغی که مردم در قالب کالا برگ دریافت می‌کنند از سازوکارهای حمایتی بوده که در این طرح دیده می‌شود.»

رییس سازمان جهاد کشاورزی لرستان، اظهار کرد: «در تجربیات جهانی نشان می‌دهد هر جایی که این طرح اجرا شده به‌عنوان اصلاحات اقتصادی از آن یاد می‌شود و در نهایت با عبور از چالش‌ها، تولید رقابتی شکل‌گرفته و با نمایان‌شدن مزیت‌های آن، اقتصاد یک مملکت به ثبات و آرامش خواهد رسید.»/ مهر

۵-برابر تقاضای آقای/خانم (محمد محمدیان) فرزند (خان میرزا) نسبت به ۵/۱ دانگ از شش دانگ یک باب/قطعه مزروعی، به مساحت (۳۰۷۲۵) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (۳) فرعی از (۳۴) اصلی واقع در بخش (هفت) حوزۀ ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت آقای/خانم (یداله مهدی پورقلندری)
۶-برابر تقاضای آقای/خانم (چنگیز محمدیان) فرزند (خانمیرزا) نسبت به ۵/۱ دانگ از شش دانگ یک باب/قطعه مزروعی، به مساحت (۳۰۷۲۵) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (۳) فرعی از (۳۴) اصلی واقع در بخش (هفت) حوزۀ ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (یداله مهدی پورقلندری)
۷-برابر تقاضای آقای/خانم (محمدصادق پیره زادی)فرزند (بساط) نسبت به ۶ دانگ از شش دانگ یک باب/قطعه مزروعی، به مساحت (۴۲۵۷۱،۲۶) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (۱۱) فرعی از (۱) اصلی واقع در بخش (هفت) حوزۀ ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (بساط پیرزادی)
۸-برابر تقاضای آقای/خانم (امیر عبدولی) فرزند (مرتضی قلی) نسبت به (یک ونیم دانگ از شش دانگ یک باب/قطعه مزروعی، به مساحت



علی گودرزیان

فصل سوم/ بخش ۱۸ /انتخابات مجلس هفتم خرم‌آباد(۹)

رسوایی برگزاری انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ۷۶ را همه مردم لرستان، پای سهیل‌انگاری و هم‌دستی شورای نگهبان لرستان با مجریان انتخاباتی می‌گذارند و شورای نگهبان را در چند نفر نام‌اشنا خلاصه می‌کنند، البته مردم گناهی ندارد در این باره در رسانه‌ها بحث نشده است و یا کسی زوایای گوناگون انتخابات ۷۶ را بازگو نکرده‌است؛ اما این پرسش هست که: از میان دو طیف اصولگرایی در لرستان کدام طیف مسئول هیئت نظارت بر انتخابات دوم خرداد بوده است؟

تیر ماه سال ۱۳۷۹ پس از عتاب و خطاب‌های مجلس ششم به حاکمیت، گفته می‌شود رهبری در دیدار اعضای شورای نگهبان مسائلی مطرح می‌کند که به راه‌اندازی تشکیلات ثابت شورای نگهبان منجر می‌شود. این‌جور نمی‌شود انتخابات برگزار کرد. یک فرد در یک استان بدون جایگاه رسمی و حقوقی نمی‌تواند نظارت درستی داشته باشد. ناظران شورای نگهبان باید در کنار وزارت کشور و هماهنگی سایر دستگاه‌های کشور کار کنند. باید یک تشکیلات ثابت، چابک و قوی درست شود. ثابت یعنی دفتر زده شود و همیشگی باشد. چابک یعنی عریض و طولیل نباشد و قوی یعنی از با کیفیت‌ترین نیروها استفاده شود!

از آغاز انقلاب ۵۷ تا سال ۱۳۷۹ در استان‌ها، هیئت نظارت داشتیم؛ اما دفتر ثابت شورای نگهبان نداشتیم. هیئت‌های نظارت موسمی بودند. پیش از برگزاری انتخابات تشکیل می‌شدند و پس از انتخابات، همه‌چیز تمام می‌شد. هرکس بی کار خود میرفت تا انتخابات بعدی خبری از افراد نبود.

حکایت انتخابات دوم خرداد ۷۶ مربوط به زمانی است که ما هیئت نظارت نداشتیم. رییس هیئت نظارت تا انتخابات ۷۶ جناب سید مرتضی طاهری بود. اما در انتخابات ریاست جمهوری ۷۶ جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه بیانیه‌ای صادر کرد که در آن بیانیه رای دادن به ناطق نوری را یک تکلیف شرعی مطرح کرده بود. سید مرتضی طاهری و یاران او صلاح‌ورزی در ایمانی و سایر دوستانشان پس از این بیانیه مراتب استعفا‌ی خود را به دبیر شورای نگهبان اعلام کردند. آن‌ها باور داشتند بر اساس بیانیه‌ی مدرسین حوزه رای دادن به ناطق نوری تکلیف شرعی است، بنابر این موظف‌اند برای آقای ناطق نوری تبلیغ کنند با چنین وضعیتی نمی‌توانند داور انتخابات باشند و از هیئت نظارت کناره‌گیری کردند.

پس از کناره‌گیری تیم سید مرتضی طاهری، دبیر شورای نگهبان حاج آقا جنتی هم طی یک نامه، حاج آقا تقوی را به‌عنوان رییس شورای نگهبان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶ معرفی کرد و آقایان محمدرضا ملک‌شاهی راد و محمدجعفر لرستانی و دوستان و یاران و همراهانشان در حزب مؤتلفه به عنوان اعضای هیئت نظارت بر انتخابات معرفی شدند. این دوستان با مجریان انتخابات وزارت کشور و استاندار وقت لرستان جناب محمدی زاده شیر و شکر بودند. در حقیقت وزارت‌ها را به نظارت‌ها یکی شدند و آن‌چه در این میان از میان رفت حراست از رای مردم بود. مردم لرستان برای نخستین بار ركب خوردند و آراء مردم به شکل گسترده و سیستمی مخلوش شد. رسوایی این انتخابات چنان گسترده و فراگیر شد که هم محمد خاتمی و هم مهدی کروبی و هم محمدزیوی رییس قوه قضائیه ی وقت، با در میانی کردند تا محمد رضایی رییس تبلیغات خاتمی در لرستان از شکایت خود علیه استاندار محمدی زاده صرف نظر کند و به قول معروف کام شیرین مردم را پس از پیروزی خاتمی با شکایت تلخ نکند!

محمد رضایی در این باره می‌گوید: «من به دنبال اعاده حیثیت مردم لرستان بودم چرا که این انتخابات لطمه‌ی بزرگی برای لرستان بود اما زعمای قوم تدبیر و صلاح در صلح دیدند!»

پس از این انتخابات جنجالی که برای نسل‌های بعدی «قصه‌ی تلخ مخدوش شدن رای مردم لرستان» نام گرفت، دبیر شورای نگهبان آیت‌الله جنتی به یاران قدیمی خود اعتماد کرد و در انتخابات بعدی دوباره مسئولیت را به طیف بعدی سپرد تا این که به سال ۱۳۷۹ رسیدیم و بعد ۱۳۸۲ برگزاری انتخابات مجلس هفتم و تشکیلات منسجم و همیشگی شورای نگهبان در سراسر کشور ایجاد شد.

شورای نگهبان از سال ۱۳۷۹ در حقیقت، غربال بته دست گردید و مردم را غربال کرد. آدم درشت‌ها موفق نشدند از سوراخ‌های ریز و تنگ غربال شورای نگهبان عبور کنند. نظارت استصوابی مزید امتنان شد و شاقول و تراز که دست اعضای محترم شورای نگهبان داده شد، باعث شد، هرگز مجلس ششم تکرار نشود. در سلامت نفس برخی از اعضای شورا، شکی نیست؛ اما تا نیت «قرت‌الی‌الله» بسیاری از چرخه‌ی انقلاب خارج شدند. بر بسیاری آدم‌ها که مسلمان بودند انگ ضدید با اسلام زده شد. در سراسر کشور سخت‌گیری‌ها به تشکیل مجالسی ختم شد که آبی

از آن مجالس گرم نشد! **ادامه در صفحه‌ی ۳**

حرف از چای شد (بخش سوم)



کازم دهقانی

زرتشتی و مسلمان همه با هم مهربان بودند و تعامل و رفت‌وآمد داشتند. شهربانو هم به واقع همسر دوم حاج عباس بود که جای مهابانو را گرفته بود. مهابانو زن زرتشتی تازه مسلمان شده‌ای بود که چند سال پیش بر اثر بیماری، همسر عاشق و محزونش را تنها گذاشته بود. بگذریم، طول کوچه را که طی کردن به خانه عمه طاهره رسیدم. کوچک‌ای که یک طرفش دیوار یک باغ بزرگ بود و طرف دیگرش کویر بی‌انتهای آبادی که تا چشم کار می‌کرد رمل‌ها و تپه‌های ریگ روان بود که با حرکت باد و طوفان جابه‌جا می‌شد. عمه را در آستانه‌ی خانه که نصفش از دیدنم چقدر متعجب و خوش‌حال شد. آن‌چنان بغلم کرد که انگار قرنی بود، دیدم، باور نمی‌کنید که از دیندم چقدر متعجب است که هم را ندیده بودیم. و یا یک سمرقند و بخارا بینمان فاصله افتاده بودا هر دو از این دیوار شاد شدیم. حالا تعارف بود و تعارف و قربان صدفه‌هایی که فقط عمه بلد بود و نه هیچ کس دیگر. به تنها اکتاشان که در آن عهد و زمان برای خودش جای آبرومندی محسوب می‌شد، رقتیم. تشکچه و پشتی برابیم گذاشت و در همان حالی که می‌خندید و قربان صدفام می‌رفت به اندرونی شافت تا چیزی برای پذیرایی بیاورد. مثل برق و باد به یک طرفه‌العینی، چای درست کرد. تا اندکی به دور و برم نگاه کردم عمه را دیدم که با یک سینی چای در قاب در ظاهر شد و با استکان‌های چای که از نیات بلورین بزیی پر شده بود در کنارم نشست و دوباره ادامه تعارف و پرسش احوال. چای خوش‌رنگ در استکان‌های کوچک کمر باریک، لب طلائی و خوش‌فرم واقعاً زیبا و دل‌انگیز بود و میل و طبع مرا به سمت خود می‌خواند. تعارف‌های عمه، چای خوش عطر و دل‌فریب از یک سو، عهد محکم و خاطره غرورانگیز شب پیش از سویی دیگر بدجوری در تقابل هم صف کشیده بودند. گیج شده بودم. چگونه باید این مطلب را به عمه که با هزار شوق و قوق این چای را – تنها داشته اش در این آبادی دورافتاده – برای پذیرایی آماده کرده بود، می‌گفتم! این برای من بسیار دشوار بود... عمه مرتباً تعارف می‌کرد و من ساکت و خجالت زده نشسته بودم. تا این که بالاخره سکوت را شکستم. نفس سرد من در حلقه‌های بخار گرم چای پیچید و ناگهان لیخند زبایی عمه را به تبسم سرد و بیخ‌ده‌ای بدل کرد!» عمه جان ببخشید من چای نمی‌خورم! دو سال است که نمی‌خورم.

– عمه فلات چرا؟ آخه چرا؟ من نمی‌دونستم! نگفته بودی؟! حالا چطور ی عزیز دلم، دلبند برادرار را مهمونی کنم؟! و بالفور اتاق را ترک کرد! چای دیگر به گمانم سرد شده بود. دیگر اصلاً آن جلوه، جذب و درخشش قبلی را نداشت. شده بود درست مثل خوشه انارهای خشک شده‌ای که برای تزئین آتاقش زیر سقف آویزان کرده بود! چند دقیقه بعد عمه با سینی جدیدی که لیوان های خوش‌رنگ شربت آبالو در آن بود وارد شد. و ادامه همان نوازش‌ها. شربت را با هم خوریم. و بعد از دقایقی از هر دری، حرفی زدیم.

– خانه عمه را به مقصد خانه بابا صفر ترک کردم. به این‌که برای ناهار هم اصرار داشت، نپذیرفتم. گفتم ننه صغری منظر است. راستش حالم چندان خوب نبود از خودم ناراحت بودم. از ادا، اطوارهای بیجان‌هام عصبانی بودم. خودم را ملامت می‌کردم که: «چرا با این قهرمان بازی‌های بی‌خود و مسخره این بنده خدا را آزردی؟! حالا می‌مردی اگر این چای که او با همه وجودش، با همه عشق و اشتیاق درست کرده بود می‌خوردی؟! اصلاً حیف بود که تو این چای را می‌خوردی. لایقش نبودی...» مغبون و حسرت‌زده عمام را بدرد گفتم و سرد و اندوهگین، پای‌کشان به سمت خانه بابا صفر سرانبر شدم. راهرو خانه بابا صفر آب پاشی شده بود و نسیم خنکی از سمت باغ به داخل می‌وزید. و این بدین معنا بود که صاحب‌خانه‌ها آمده بودند تا چشم‌هم به تاریکی عادت کند، آرام از هشتی مشترک گذشتم و در ابتدای راهرو خانه ایستادم. بابا صفر در انتظار ناهار دراز کشیده بود. ننه صغری را صنا کردم. شهربانو که برای کاری به این طرف آمده بود، جوامیم را داد و تعارف کرد که: مینا تو! ننه تو! حیاط کنار اجاقه». بابا صفر از خستگی خوابش برده بود. چه خروپویی هم می‌کرد. به حیاط واژه‌ش برده بود. مشغول پخت و پز بود. سلام و علیک کردیم. او، هم دوچرخه‌ام را دیده بود و هم خاله و شهربانو گفته بودندش که آمده‌ام. از دیدن هم خوش‌حال شدیم. یک لیخندش را به همه دنیا نمی‌دادم. خودش هم می‌دانست. یک طرف اجاقش دیزی کوچک آبگوشت روی آتش بود و طرف دیگر ساجی که رویش قبلا نان پخته بود. گفت:«تنه جتنه جرو تو! راهرو من الان میام. بابا را هم بیدارش کن تا ناهار بخوریم.» به راهرو برگشتم. روی زبلو کنار خرّ و فکاهی بابا صفر (که موسیقی استراحت او بعد از کار و خستگی بود) نشستم و دلم نیامد که بیدارش کنم.

ادامه دارد...

گزارش

در بر همان پاشنه‌ی همیشگی می‌چرخد!

تورم سنگین روی سفره‌ی لرستانی‌ها



و کرمانشاه با ۷۲٫۷ درصد در زمره استان‌های با بیش‌ترین فشار قیمتی قرار دارند. هم‌زمانی تورم ماهانه و نقطه‌ای بالا نشان می‌دهد جهش دی‌ماه تنها یک نوسان مقطعی نبوده، بلکه بخشی از یک روند فزاینده در برخی استان‌ها از جمله لرستان است. همان روزنی که می‌تواند شکاف تورمی میان مناطق کشور را در ماه‌های آینده عمیق‌تر کند.

بررسی‌ها حالا نشان می‌دهد استان لرستان یکی از مفلوک‌ترین استان کشور به شمار می‌رود. لرستان در حالی در زمره‌ی استان‌های فلک‌زده و کم‌تر برخوردار ایران قرار دارد که این استان از منابع عظیم خدادادی بالقوه‌ای برخوردار شده است که هنوز در مسیر توسعه به کار گرفته نشده‌اند. با وجود بهره‌مندی استان از منابع خدادادی نفت و گاز و هم‌چنین معادن و میراث فرهنگی غنی و آب و خاک اما حجم سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در لرستان به‌گونه‌ای نبوده‌است که منتج به محرومیت‌زدایی از استان و توسعه فراگیر شود. خال‌سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در لرستان امروز ملموس است و در نبود سرمایه‌گذاری‌های عظیم هلدینگ‌های سرمایه‌گذاری و برخی موانع فرارو، لرستان در اقتصاد ملی سهم قابل توجه‌ای ندارد و هم‌چنان در محرومیت به سر می‌برد. لرستان در حالی یکی از قطب‌های کشاورزی کشور به شمار می‌رود که در این حوزه این استان می‌توانست با بهره‌گیری از منابع آب و خاک به استانی بهره‌مند در حوزه‌ی کشاورزی تبدیل و بخش اعظمی از بی‌کاری لرستان با اشتغال در حوزه‌ی کشاورزی جبران می‌شد. ۱۱ درصد آب، ۴٫۷ درصد زمین، حدود ۲٫۲ درصد جمعیت و ۱٫۷

درمان هم تبدیل به مصیبت شده!

انتقاد باز نشستگان از گرانی بیمه تکمیلی

بازنشستگان کارگری از افزایش هزینه بیمه تکمیلی در شرایط اقتصادی فعلی انتقاد دارند. «محمدزاده» یک بازنشسته تامین اجتماعی است؛ او که زن و دختر خود را بیمه تکمیلی کرده می‌گوید: چرا یک بازنشسته باید چیزی نزدیک به یک ششم یا یک هفتم مستمری خود را بابت بیمه تکمیلی بپردازد؟

محمدزاده تاکید می‌کند که درمان برای بازنشستگان تبدیل به یک مصیبت شده؛ او می‌گوید: مجبوریم برای بیمه تکمیلی ثبت نام کنیم چون از مرضی و هزینه‌های آن می‌ترسیم اما توان پرداخت پول بیمه تکمیلی را هم نداریم! تامین اجتماعی برای هر نفر فقط ۲۵۰ هزار تومان سرانه درمان می‌دهد و این بی‌انصافی است. او در پایان می‌پرسد: من بازنشسته اگر بیمار باشم یا در خانواده یک بیمار خاص داشتم، باشم، تکلیف چیست؟ چه کسی مسئولیت قبول می‌کند؟ سرچشمه: ایلنا

خبر



عباس دارابی*

سرمایه‌گذاری‌های گسترده و عظیم در حوزه‌های مختلف است. وضعیت بودجه‌های عمرانی و درآمدی دولت به‌گونه‌ای نیست که در لرستان آثارش محسوس باشد و این درحالی است که مدیریت ارشد استان روی کاغذ همه چیز را مایل است سفید جلوه داده و از برنامه‌ای مکتوب در کتابچه‌ای تحت عنوان سند توسعه‌ی استان رو‌نمایی کند که فعلاً نایبش با گذشت ۱۶ ماه از صدارت سید سعید شاهرخی در زندگی روزمره‌ی مردم و زیر پوست شهر عینیت ندارد و بیش از آن‌که عملیاتی شده باشد، بیش‌تر در حال پیگیری عنوان می‌شوند! در صورتی شاخص‌هایی چون سرانه‌ی مردم و اشتغال در این استان بهبود پیدا می‌کند که سرمایه‌گذاری بزرگ و خارجی در این استان صورت گیرد و بر همین اساس باید از همه ظرفیت‌ها از جمله اتاق بازرگانی زمینه‌ای فراهم می‌شد تا سرمایه‌گذاران را به سمت بنگاه‌های صنعتی، معدنی و گردشگری واحدهای اقتصادی استان هدایت کند تا با تزریق آن به طرح‌های نیمه‌تمام دولتی توان تولید استان را بالا برده و بنگاه‌های اقتصادی استان فعال می‌شد.

گرچه محرومیت لرستان یک محرومیت مزمن و تاریخی و برگر فته از یک ضعف مفرد در حوزه مدیریت، بی‌بهره ماندن از اعتبارات ملی و جاماندن از قافله‌ی توسعه‌یافتگی در ابتدای همدی هفتاد است اما نباید از این مهم غفلت کرد که این استان به‌رغم فقر و بی‌کاری و محرومیتش یک استان بهره‌مند و بالقوه از منابع عظیم نفتی، طبیعی و انسانی است و لذا برای بالا رفتن سهم لرستان در تولید ملی باید روی مقوله تولید تمرکز کنیم و برای این امر نیازمند سرمایه‌گذاری‌های عظیم خصوصی هستیم زیرا استان لرستان یکی از استان‌های برخوردار از حیث ظرفیت‌های طبیعی و خدادادی است به‌گونه‌ای که موقعیت‌های ویژه ژئوپلیتیک به‌عنوان محور رکبدر شمال- جنوب، منابع غنی طبیعی، تنوع آب و هوایی، آب فراوان، دشت‌های وسیع و حاصل‌خیز، معادن متنوع و از همه مهم‌تر سرمایه‌ی انسانی تحصیل‌کرده و نیروی کار جوان قابلیت‌های بازرگانی و تجاری متعدی را ایجاد کرده که این استان را در زمره‌ی استان‌های با پتانسیل بالا برای توسعه قرار داده است اما با این وجود، دولت خود با وضع بروکراسی شدید اداری و مانع‌تراشی‌های روزمره، عملا بخش خصوصی را از سرمایه‌گذاری‌های عظیم در لرستان و داشته است.

***روزنامه‌نگار**

ادامه از صفحه‌ی نخست

«دره خزینه» پل دختر قابلیت جذب ۵۰امیلیون گردشگر را دارد

دره خزینه در اثر میلیون‌ها سال فرسایش آبی و حرکات زمین‌شناسی به وجود آمده است به نحوی که رودخانه سیمره در طول هزاران سال مسیر خود را با قدرت از دل صخره‌ها باز کرده و این دره شگفت‌انگیز را با پیچ نعل اسبی خلق کرده است. این دره همانند یک تابوای هنری دیدنی و شگفت‌انگیز با طبیعت بکر و دست‌نخورده، دیواره‌های بلند و صخره‌ای، پیچ‌وخم‌های زیبا و منظره‌های چشم‌نواز، هرساله گردشگران بسیاری را به سمت خود می‌کشد که در قلب رشته کوه زاگرس، استان لرستان و مسیر جاده پل‌دختر به اندیمشک در روستای دره خزینه واقع شده است. دره خزینه به دلیل شباهت بسیار زیاد به اثر طبیعی گردن کانپون (دره بزرگ) آمریکا به‌عنوان گردن کانپون ایران شناخته می‌شود./ ایرنا

یادداشت

روزگارِ تغییر اقلیم



محسن تیزهوش

لرستان، سرزمین کوه و آب و بلوط، از دیرباز جایی بوده که زندگی مردم با طبیعت آن معنا پیدا می‌کند. کوه‌های زاگرس، تنوع‌زیستی و زیستگاه‌ها، تنها چشم‌انداز طبیعی استان نیستند؛ این‌ها پایه‌های معیشت، فرهنگ و بخشی از باورهای مردم را شکل داده‌اند. این پیوند دیرینه امروز تحت فشار هم‌زمان گرم شدن هوا و دخالت‌های نادرست انسانی قرار گرفته است. سال‌های دور، اقلیم لرستان کوهستانی بود؛ زمستان‌های پربراش و تابستان‌های خنک‌تر. این شرایط امکان دامداری سنتی، کشاورزی دیم و استفاده محدود از جنگل‌ها و مراتع را فراهم می‌کرد. در همان زندگی ساده، نوعی «رسم حفاظت» شکل گرفته بود؛ رعایت حد و اندازه در استفاده از زمین، آب و جنگل، و احترام به نشانه‌های طبیعت. بسیاری از آیین‌ها، الگوی کوچ و شیوه‌های زندگی محلی، پازتاب همین سازگاری با محیط بود.

اما در سال‌های اخیر، این تعادل به هم خورده است. بارش‌ها کمتر و نامنظم شده، هوا گرم‌تر شده، چشمه‌ها خشکیده و آتش‌سوزی‌های جنگلی بیشتر شده‌اند. در کنار این تغییرات طبیعی، برداشت‌های بی‌برنامه و تصمیم‌های نادرست هم فشار را بیشتر کرده‌اند؛ از چرای بیش از حد دام و قطع بی‌رویه درختان گرفته تا ساخت‌وسازهای بزرگ بدون توجه به توان زمین و دست‌کاری مسیر آب‌ها. نتیجه این روند، ضعیف شدن جنگل‌های بلوط، کم شدن خاک مرغوب و پایین آمدن توان طبیعت برای بازگشت به حالت قبلی است. مردم لرستان، بیش از آنچه گاهی گفته می‌شود، نسبت به این تغییرات آگاه‌اند. کاهش آب، کم‌بار شدن زمین و سخت‌تر شدن زندگی، تجربه روزمره بسیاری از خانوارهاست. اما مشکل این نیست که مردم نمی‌دانند؛ مشکل این است که حفاظت را با محدودیت و ممنوعیت می‌سنجیم. در حالی که راه درست، همراه کردن مردم با کارهای واقعی و سازگار با زندگی روزانه است. اگر قرار باشد طبیعت توان خود را حفظ کند، برنامه‌ها باید بر پایه زندگی مردم و واقعیت‌های جاری باشد، نه فقط دستور و ممنوعیت. در گذشته هم سطح همراهی مردم با کارهای حفاظتی چندان مطلوب نبود و امروز که فشار اقتصادی و خستگی اجتماعی بالا رفته، انگیزه برای کارهای داوطلبانه کمتر شده است. بنابراین باید به جای تکیه بر «حفاظت مشارکتی» به معنای رایج، نه کارهای ملموس و سودمند فکر کنیم؛ اقدام‌هایی که مستقیم به زندگی مردم کمک کند، مثل سامان‌دهی درست مراتع، نگه‌داشت آب در سطح روستا و استفاده حساب‌شده از منابع جنگلی. وقتی مردم نتیجه و سود واقعی را ببینند، همراهی آن‌ها خودبه‌خود شکل می‌گیرد، نه با شعار و تکلیف. واقعیت‌های اقتصادی استان نشان می‌دهد که معیشت، اولویت نخست بخش بزرگی از جامعه است. با این حال، تخریب طبیعت به‌طور مستقیم این معیشت را تهدید می‌کند. کم شدن جنگل‌ها و مراتع یعنی کم شدن آب، سبب و دامداری و کشاورزی و افزایش خطر سیل و خشکی. در چنین شرایطی، حفاظت از طبیعت نه یک موضوع فرعی، بلکه بخشی از راه پایداری اقتصادی و اجتماعی استان است. راهکارها باید فنی، گام‌به‌گام و کم‌هزینه باشند؛ برداشت کنترل‌شده، محصولات جنگلی غیرجوابی، سامان‌دهی دام و مرتع بر اساس توان واقعی زمین، اجرای طرح‌های کوچک و محلی برای نگه‌داشت آب و جلوگیری از فرسایش خاک، و پرهیز از تصمیم‌های شتاب‌زده و ناهماهنگ با طبیعت. این رویکردها می‌تواند هم فشار بر طبیعت را کم کند و هم به حفظ معیشت کمک کند.

در این میان، همراه کردن نوجوانان روستایی و شهری اهمیت ویژه‌ای دارد. آموزش عملی، از کاشت و نگهداری بلوط تا شناخت گونه‌هایی مانند سنجاب ایرانی که نقش مهمی در سلامت جنگل‌ها دارد، می‌تواند نسل آینده را به سرمایه‌ای برای حفاظت تبدیل کند. آینده لرستان در گرو بازنگری آگاهانه در رابطه انسان و طبیعت است. اقلیم دچار دگرگونی شده و شرایط مطلوب گذشته تکرار نخواهد شد، اما با تصمیم‌های حساب‌شده، استفاده از دانش بومی و همراهی جامعه محلی، هنوز می‌توان از کاهش بیشتر توان طبیعت جلوگیری کرد و مسیر پایداری برای آینده ترسیم کرد.

مستندنگاری ادامه از صفحه‌ی ۲

امیدوارم روزی، شورای نگهبان فقط با ابزار قانونی استعمال از مراکز چهارگانه، هم در تایید صلاحیت‌ها و هم در پاسپاسی از رای مردم، اشتباهات تاریخی خود را جبران نماید! **ادامه دارد**